شهرآرا
SHAHRARANEWS.IR
۳شنبه
۲۱ شهریور ۱۴۰۲
۲۶ صفر ۱۴۴۵
شماره ۴۰۳۴
۱۳
جام

ضرورت طراحی الگوی بومی برای میزبانی

زائران اربعین از فرهنگ میزبانی عراق و آنچه باید در دهه آخر صفر در مشهد اتفاق بیفتد می گویند

گزارش روز



زهرا شریعتی
روزنامه‌نگار

با رونق گرفتن پیاده روی برای زیارت اربعین سیدالشهدا(ع)، چند سالی است که شاهد مقایسه میان میزبانی از زائران در عراق با میزبانی زائران در مشهدالرضا(ع) هستیم؛ موضوعی که اظهارنظرهای مختلفی درباره آن وجود دارد. برخی تأکید می کنند جزء به جزء میزبانی عراقی ها باید الگوی ایرانی ها قرار بگیرد و تکرار شود، عده ای دیگر هم این موضوع را غیرمنطقی و ناممکن می دانند. هم زمان با ایام بازگشت زائران اربعین حسینی و در آستانه نوبت میزبانی مشهدی ها، نظر تعدادی از شهروندان را که جزو فرهیختگان و فعالان فرهنگی شهر هستند و چندین بار از نزدیک میزبانی عراقی ها را تجربه کرده اند، در این باره جویا شده ایم که در ادامه می خوانید.



عکس: محمدحسن ملوانی | شهرآرا

لزوم بومی سازی فرهنگ میزبانی عراقی ها





محسن عقیلی، از هنرمندان مستندساز شهر، ۱۰ سال است می شود که توفیق تشرف پیاده به زیارت اباعبدا...الحسین(ع) در ایام اربعین را دارد و زوایای هنری بسیاری را از شکوه این حرکت عظیم به تصویر کشیده است. او می گوید: میزبانی عراقی ها از زوار سیدالشهدا(ع) سال هاست که در فرهنگ و سنت آن ها ریشه کرده و نسل به نسل منتقل شده است؛ بنابراین نباید انتظار داشت که این سبک میزبانی در یکی دو دهه آشنایی ما با پیاده روی اربعین، عینا در مشهد اتفاق بیفتد.

او در ادامه از لزوم شناخت کامل این مدل و بومی سازی آن سخن می گوید: باید شیوه عراقی ها را با همه محدودیت های سبک زندگی، فرهنگ، معماری و... که در جامعه ما وجود دارد، برای خودمان بومی سازی کنیم. با این حال، می توان از برخی تجارب عراقی ها بهره گرفت، مثل اینکه هرگز میان زائران گزینش نمی کنند که از کدام کشور یا شیعه و مسلمان یا غیرمسلمان هستند؛ بلکه تنها چیزی که برایشان مهم است، زائر امام حسین(ع) بودن است. برای ایدئال شدن شیوه میزبانی در مشهد، ما هم باید دلمان را بزرگ کنیم و بدانیم زائر امام باهر آیین، پوشش و نگرشی عزیز است. نکته دیگر اینکه عراقی ها برای رویدادی که طی سال ها جزوی از فرهنگ جامعه شان شده است، برنامه ریزی دارند؛ مثلا از نظر مالی، بیشتر مردم صندوق پس انداز ویژه هزینه کرد برای اربعین دارند. ما هم برای اسکان، پذیرایی و درک رسیدگی همه جانبه به زوار باید برنامه داشته باشیم. مسئله مهم بعدی، مدل معماری ساختمان هاست که به سبک زندگی برمی گردد. در همه این سال ها یادم نمی آید به منزل آپارتمانی دعوت شده یا مواجه ای با خانم های خانواده میزبان داشته باشم؛ چراکه معماری خانه ها به گونه ای است که حدود و مرزها مشخص و مستقل است و حضور یک فرد نامحرم مزاحمتی برای خانواده ایجاد نمی کند؛ درحالی که کمتر خانه ای در مشهد به ویژه بافت پیرامون حرم چنین وضعیتی دارد. با همه این ها، نگاه ما خوش بینانه است و کم کم در مشهد داریم به یک شیوه بومی سازی شده می رسیم؛ چنان که می بینیم نسبت به ۱۰ سال گذشته که حرفی از موکب، اسکان و حمل ونقل شخصی و... نبود، پیشرفت خوبی کرده ایم.



چرا دیر به فکر افتاده ایم؟

عقیلی با طرح این پرسش که اصولا چرا ما مشهدی ها دیر و بعد از مشاهده میزبانی عراقی ها در اربعین به فکر افتاده ایم، حضور آستان قدس رضوی در رسیدگی به زائران را از عوامل این تأخیر تاریخی می داند که باعث شده است مردم تا حد زیادی خیالشان از توجه به زوار آسوده باشد، درحالی که در عراق به دلیل ناتوانی عتبه حسینی از رسیدگی به امور زائران، مردم خودشان تمام قد پای کار آمده اند و تنها کار حکومت نیز کنترل ورود و امنیت است. به عبارت دیگر، تجربه بزرگ میزبانی اربعین فریاد می زند که خدمات رسانی به زائر باید کاملا مردمی باشد و اگر هم مداخلات دولتی و سازمانی هست، باید بر یک پایه محکم مردمی استوار باشد.

بی تفاوت نیستند



مهدی شیخ، کارشناس ارشد مدیریت که امسال پنجمین پیاده روی اربعین را تجربه کرده است، مهمان نوازی بی ریا، خالصانه، از جان ودل و با طیب خاطر را از شاخص های بارز و کم نظیر میزبانی عراقی ها معرفی می کند و می گوید: حتی افرادی که مشخص است توان مالی چندانی ندارند، با همان توان ناچیزشان به میدان می آیند و به بهانه نداری، نسبت به این رویداد عظیم بی تفاوت نمی نشینند. کسانی که روزمزد هستند، روزها کار و شب ها درآمدشان را خرج زائران می کنند، دیگران نیز رسم دارند از فردای اربعین تا سال بعد هر روز مبلغی را برای میزبانی سال آینده از زائران کنار می گذارند. هم خدمات را عرضه می کنند و هم اصرار والتماس می کنند به زوار برای استفاده از آن ها و این یک رسم جاافتاده میان همه اقشار مردم است؛ از استاد دانشگاه تا کودکان. در رفتار و گفتار هم با اینکه به دلیل تفاوت های فرهنگی اجتماعی ایران و عراق، گاه سوءتفاهم هایی پیش می آید، اما به عشق امام حسین(ع) نادیده می گیرند و در مجموع از هیچ خدمتی برای آرامش و آسایش زائر دریغ نمی کنند. این ها همه دست به دست هم می دهند تا نه فقط ایرانی ها بلکه هیچ یک از زائران در عراق احساس غریبی نکنند.



از ظرفیت هوش فرهنگی برای فراگیرشدن خدمت رسانی غفلت نکنیم

او درباره امکان تحقق این مدل میزبانی از زائران در مشهدالرضا(ع) یادآور می شود: در مشهد نیز هستند افرادی که سال هاست با همین دیدگاه و نگرش زائر را تکریم می کنند، اما تعدادشان اندک است و آن انسجام و فراگیری و جوشش همگانی که در جامعه عراق برای میزبانی زوار وجود دارد، هنوز در مشهد شکل نگرفته است. در این راستا، نباید از ظرفیت هوش فرهنگی برای رشد و توسعه افراد و تقویت و تعمیق ارتباطات غافل شد؛ بدین معنا که قرارگرفتن افراد در معرض تنوع فرهنگی و جلوه های فرهنگی مختلف سبب فعال شدن هوش فرهنگی آن ها می شود، به گونه ای که حتی اگر مؤلفه ها یا اقداماتی در ذهنشان کم رنگ باشد یا تا به حال به آن فکر هم نکرده باشند، اکنون به آن ها فکر و از آن ها الگوبرداری می کنند. به عنوان مثال یکی از دوستان مشهدی که ساکن محلات اطراف حرم مطهر است، بعد از اولین حضورش در پیاده روی اربعین و بدون هیچ برنامه قبلی، هر سال منزلش را به اسکان زوار دهه آخر صفر اختصاص می دهد.

به گفته این مدرس دانشگاه، اجتماعاتی مانند اربعین با شاخصه های همدلی، همیاری، اشتراک دارایی ها، خدمت بی منت و خالصانه و عظمت اتحاد و برادری مسلمانان، در واقع نوعی تمرین و کسب آمادگی برای سبک زندگی دوران ظهور حضرت مهدی موعود(عج) به شمار می رود و الگوبرداری و گسترش آن ها در افق ظهور، ضرورت دارد.



از میزبانی قبیله ای تا میزبانی انفرادی





حسین کمیلی نیز برای ششمین سال پیاپی توفیق تشرف پیاده به زیارت اربعین را داشته است. او با اشاره به تأثیر پشتوانه های روایی و معارفی در شکل گیری سنت ها از جمله پیاده روی اربعین، می گوید: مردم عراق از وقتی کشورشان آزادی بیشتری پیدا کرده است، فرصت مغتنمی برای اجرای گسترده سنت پذیرایی زوار پیاده پیدا کرده اند که هر سال هم رونق بیشتری می گیرد؛ اما برای پیاده روی زیارت مشهدالرضا(ع) به اندازه پیاده روی اربعین پشتوانه روایی وجود ندارد، هرچند به خود زیارت حضرت رضا(ع) بسیار تأکید شده است. بنابراین، نمی توان میان این دو پدیده مقایسه جزئی داشت.

این فعال فرهنگی معتقد است الگوی خدمت نیز در مشهد و عراق با یکدیگر متفاوت است، به همین دلیل، فضای خدمت به زائر در عراق از هر جهت رونق بیشتری گرفته است؛ بدین معنا که زندگی مردم کاملا درگیر خدمت می شود و هر موکب در واقع نماینده یک قبیله یا محله است. ولی در مشهد چنین وضعی را شاهد نیستیم و خدمات به صورت انفرادی یا حداکثر هیئتی ارائه می شود. درباره میزبانی خانگی نیز همین طور است و اسکان زائران مشهد با محوریت هتل ها، زائرسراها، حسینیه ها و بیشتر توسط نهادهای رسمی انجام می شود.



استحاله الگوی میزبانی در مشهد در سایه حاکمیت نگاه سرمایه داری

کمیلی، ضدخدمت بودن سیاست های شهری در دو سه دهه گذشته را که برگرفته از نگاه اقتصادی سودمحور به زائر است، از مهم ترین علل حضور کم رنگ مردم در میزبانی می داند، چراکه الگوی اصیل خدمت به زائر را تضعیف کرده است؛ به عنوان مثال، طرح تاش با تملک و تخریب بافت پیرامون حرم که محور میزبانی از زائر با نگاه مهمان در قالب خانه ها یا حسینیه ها بود، عملا الگوی اسکان زائر را به هتل ها و مکان های پرهزینه تغییر داد و این پیام را به ساکنان شهر منتقل می کند که زائر اسباب کسب سود و درآمد است، چرا رایگان میزبانی کنیم؟! این درحالی است که اصل خدمت، سادگی و فراگیر بودن آن است و اگر عراقی ها هم به همین سمت بروند و داشته های فرهنگی و میراث شهر را نابود کنند، شاهد تأثیر مخرب آن در فرهنگ خدمت به زائر خواهند بود. البته مناطق شرق مشهد اگر از نگاه سرمایه داری مصون بمانند، هنوز امکان احیای مسیرهای زیارت و سنت میزبانی را دارند، به عبارت دیگر، هرچند با آن معنابخشی که اربعین و خدمت به زوار برای عراقی ها دارد، هنوز فاصله داریم و خط معنایی خدمت را درست درنیافته ایم، با رویکرد احیای مسیرهای زیارتی می توانیم مشابه میزبانی زوار اربعین را در مشهد نه فقط برای ماه صفر، بلکه در طی سال داشته باشیم. درعین حال، فراموش نکنیم که ملزم به تکرار الگوی عراق نیستیم و می توانیم نقش خودمان را متناسب با مزیت های نسبی بومی مان پیدا کنیم و فراتر از اقدامات عمومی، نقش آفرینی های علمی و تخصصی نیز داشته باشیم.

توجه خدمت رسانی به روح و فکر و اندیشه زائر



«اصل مقوله خدمت رسانی به زائر امام بسیار ارزشمند و لازم است، اما به نظر می رسد خدمت رسانی به زائران امام رضا(ع) در ایران نه لزوما تکرار آنچه در عراق اتفاق می افتد، بلکه فراتر از آن می تواند باشد. این دو خدمت تا حدودی اشتراکات معنایی و ظاهری دارند، اما از یک جایی به بعد، بسته به هویت و زیست بوم میزبان، متفاوت می شوند. از این رو، مقایسه میزبانی از زائر در عراق و ایران و انتظار تحقق عین آن در ایران، انتظاری منطقی نیست.» این نظر احسان مینایی راد با تجربه پنج سال تشرف پیاده به زیارت اربعین است.

از نگاه این فعال فرهنگی اصولا سبک زندگی و تاریخ عراقی ها متفاوت از سبک زندگی و تاریخ مشهد است و خدمت رسانی در ایران در مواردی می تواند از لحاظ کیفی و کمی بهتر از عراق باشد؛ اما در عین حال می توانیم از برخی تجربیات یکدیگر استفاده کنیم. به عنوان مثال خوب است توجه کنیم که بخشی از میزبانی، خدمت رسانی به جسم زائر است و بخش بزرگ تر و مهم تر، خدمت رسانی به روح و فکر و اندیشه اوست که این همه راه آمده است و نباید دست خالی برگردد. البته در قالب های جدید و جذاب مانند ساخت لوکیشن سلسلة الذهب در مشهد، چنان که در میزبانی عراقی ها می بینیم، به انواع شیوه ها و فرم های ممکن برای خدمت به زائر فکر شده است. همچنین راه اندازی موکب در ایران و مشهد خوب و تحسین برانگیز است، اما باید دقت کرد که متناسب با هویت ایرانی اسلامی خودمان و تاریخ رضوی باشد؛ در این صورت ممکن است عین کار ما در عراق کارکرد نداشته باشد، چنان که خدمات متناسب با هویت تاریخی عراق در ایران کارکرد ندارد.



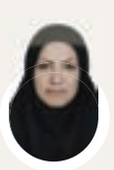
میزبانی بومی همراه با مزیت نسبی

این فعال فرهنگی درباره اصول میزبانی مشترک میان مشهد و عراق خاطرنشان می کند: یکی از این محورها، ارائه خدمات ناظر به ابعاد علمی فرهنگی امام رضا(ع) و امام حسین(ع) است تا شناخت زائر از ایشان افزایش یابد. به عنوان مثال درباره مشهد، سازوکار خدمت رسانی به زائر لازم است ناظر به صفات مشهور امام رضا(ع) مانند عالم آل محمد(ص)، معین الضعفا، صدیق شهید و... باشد. همچنین، نوع مواجهه حضرت با مأمون و رویکرد سیاسی و بین المللی، رویکرد هنری یا گره گشایی های علمی، فکری و اعتقادی ایشان می تواند در قالب گرافیک محیطی در معرض دید زائر قرار گیرد و شناخت جدیدی از حضرت را به او منتقل و زائر را با جایگاه خلیفة اللهی امام آشنا کند و فراتر از دیدگاه های عامیانه مرسوم درباره امام، برایش تلنگری باشد تا در بازگشت به موطن خود سبک زندگی اش را به امام نزدیک تر کند. البته منظور، نخبگانی شدن میزبانی نیست، بلکه ارائه محتوای غنی در قالب های جذاب است تا به مرور برای میزبانی مان مزیت نسبی و ارزش افزوده ایجاد کند و الگوی سایر شهرهای زیارتی نیز قرار گیرد.



الزامات ارتقای فرهنگ میزبانی در مشهد





سمیه خیامی، دانش آموخته کارشناسی ارشد، نیز امسال برای اولین بار همراه همسر، فرزندان و بستگانش توفیق تشرف پیاده پیدا کرده و معتقد است: قدمت پیاده روی برای زیارت در عراق، سبب شکل گیری درک و فرهنگ خاصی میان مردم در این زمینه شده است، اما میزبانی کریمانه و دست و دل بازانه عراقی ها که زیر گرمای طاقت فرسا باروی باز، قدم به قدم انواع پذیرایی ها را حتی بیش از نیاز زائران ارائه می دهند، فراتر از پیشینه تاریخی و سنتی، ریشه در این اعتقادشان دارد که هرچه در راه امام حسین(ع) هزینه کنند، به زندگی شان بازمی گردد. گذشته از وضعیت بهداشتی و کمبود وسایل حمل ونقل برای مسیرهای بازگشت زائران که شاید با وجود انبوه جمعیت زائران طبیعی و بیشتر برعهده مسئولان عراق باشد، شایسته است که این نوع خدمت رسانی برای زائران امام رضا(ع) نیز وجود داشته باشد، هرچند در مشهد، هم مسیرهای تشرف متعدد است و هم هنوز نیازمند تقویت فرهنگ سازی برای میزبانی از زائر هستیم.

او همچنین سامان دهی نذری های شخصی و تمرکز توزیع در مسیرهای تشرف، افزایش ایستگاه های اسکان زائران در مسیر به نحوی که هر زمان نیاز شد دسترسی وجود داشته باشد و افزایش مشارکت های مردمی را از الزامات ارتقای فرهنگ میزبانی مشهدی ها می داند.

میزبانی مشهدی ها تا رسیدن به عراق فاصله دارد





«در کنار انواع خدماتی که ارائه می شود، بیش از هر چیز حضور پررنگ بچه ها در میزبانی زائران ولو با کوچک ترین کارها مثل دست دادن و خوشامدگویی، جذاب و شوق آفرین است.» این هم توصیف یک بانوی روان شناس است که این روزها با دومین تشرف پیاده به کربلا رسیده است و از همان جا با ما گفت وگو می کند. زهرا امینی ادامه می دهد: کوچک و بزرگ واقعا برای زائران سنگ تمام می گذارند، از موکب ها تا خانه ها در هر زمان و مکانی آماده خدمت رسانی هستند و برای رفع نیاز و درخواست های زائران سر از پا نمی شناسند. حتی بارها شاهد بوده ام سعی می کنند مطابق سلیقه ایرانی ها پذیرایی کنند. در گرمای شدید کنار شعله های آتش برای پخت غذا می ایستند و در عین حال خستگی بردار هم نیستند و با وجود همه هزینه ها و سختی ها، با لبخند رضایت به زائران خدمت می کنند. حتی از زائر بابت دریافت خدمت یا پذیرایی شان تشکر هم می کنند. این حد از ادب و احترام و سبک خاص میزبانی را که به صورت عمومی برای همه عراقی ها جا افتاده است، تاکنون نه در مشهد و نه هیچ جای دیگر ندیده ام. البته در مشهد حرکت هایی در حال شکل گیری است، ولی تا رسیدن به این سطح و همگانی شدن فاصله دارد.